

موضوع: خارج فقه مسائل کرونا ویروس

جلسه چهارم / ۱۹ فروردین ۹۹

استاد سید احمد خاتمی

خلاصه جلسه گذشته

سخن پیرامون احکام مربوط به کرونا ویروس بود. درباره تکلیف نماز و وضوی بیماران و پرستاران سخن گفتیم که مانند دیگر بیماران است. اگر توانستند با تمام اجزاء و شرایط بخوانند و در غیر این صورت وضوی معذورین را دارند و با تیمم نماز می خوانند. و در صورتی که وضو و تیمم برای آنها ممکن نباشد، فاقد الطهورین خواهند شد. حکم آنها بنابر نظر مشهور متقدمین و متاخرین سقوط اداء و وجوب قضا است؛ گرچه احوط هر طور می تواند اداء را بخواند و قضای آن را بجا می آورد. اقوال دیگری مطرح هستند. یک قول، یصلی و یعید. قول دیگر، اداء واجب است ولی قضاء واجب نیست. قول سوم، تکلیف او، به مقدار نماز ذکر خداوند را بگوید. غایه المرام صیمری ج ۵ ص ۹۵-۹۶ اقوالی که در مساله هستند. البته حساب روزه واجب معین مانند جدا است. اگر برای غسل و وضو آب و نیز برای تیمم خاک نداشت روزه اش درست است.

مصرف زکات برای مبارزه با کرونا ویروس

مساله دیگری مطرح است از مراجع تقلید سوال شده «هل يجوز مصرف الحقوق الشرعية من الزكاة و الخمس في توفير الادوات الضرورية للحماية من الانتقال العدوى من المصابين كالقفوف و الكمادات الطبية و المواد المنظفة و كذا لك الادوية و المستلزمات الاخرى مما تمس الحاجة اليها من مكافحة هذا الوباء؟» آیا می شود زکات را صرف ادوات بهداشتی برای مقابله با ویروس مانند تهیه ماسک و دستکش و به اشخاص مبتلا بدهد. آیا جایز است؟

در جواب فرمودند: «لا مانع من ان يصرف من سهم سبيل الله من الزكاة و من سهم الامام من الخمس في ذلك مع رعاية الضوابط الشرعية» اشکال ندارد از خمس و زکات با رعایت ضوابط شرعیه مصرف کند و معنی ضوابط شرعیه این است که مستحقین دارای شرایط هستند.

موضوع بحث امروز این است، آیا صرف خمس و زکات در ادوات بهداشتی مانند ضد عفونی مسجد و یا تهیه اسباب بهداشتی صرف مستحقین، جایز است؟ مصرف زکات در آیه توبه آمده است. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

زکات به فقراء، مساکین، و کسانی که زکات را جمع آوری می کنند و کسانی که اگر به آنها زکات داده شود دل آنها متمایل به اسلام می شود، و برای آزادی برده ها و بدهکاران و فی سبیل الله داده می شود. سوالی که مطرح می شود مراد از فی سبیل الله چیست؟

مراد از سبیل الله

گرایش عامه، و بسیاری از اهل سنت درباره سبیل الله، تمرکز روی جهاد است. در کتاب احکام السلطانية ماوردی که شافعی مذهب است؛ می گوید: سهم سبیل الله تعالی و هم الغزاة يدفع اليهم من سهمهم قدر حاجتهم فی جهادهم [1]. و در کتاب احکام السلطانية ابی یعلی، حنبلی مذهب است می گوید: اما سهم سبیل الله فهم الغزاة [2]. بیشتر تاکید عامه بر این است که سبیل الله انصراف به غزات و رزمندگان دارد. خداوند می فرماید: ان الله يحب الذين يقاتلون فی سبيله صفًا. البته برخی از عامه منحصر در جهاد نکردند. و در هر چیزی که مایه قرب به خداوند باشد گفته اند جایز است مصرف بشود. از احمد حنبل نقل شده «لا یصرف منها فی الحج و به قال مالک و ابو حنیفه و الثوری و الشافعی، لان سبیل الله عند الاطلاق انما ینصرف الی الجهاد فان کان ما فی القرآن من ذکر سبیل الله انما ارید به الجهاد الا الیسیر.

نظریه امامیه

گرایش خاصه و شیعه درباره سبیل الله، شامل هر کار خیر عمومی است؛ اما کار خیر خصوصی مراد نیست. شیخ طوسی در کتابهای خود می فرماید مثلاً در الخلاف: سبیل الله یدخل فیهِ الغزاة فی الجهاد و الحاج، و قضاء الدیون عن الاموات و بناء القناطر و جمیع المصالح [3]. و در مبسوط همین مطالب را می فرماید: و یدخل فی سبیل الله معونة الحاج و قضاء الدیون عن الحی و المیت و جمیع سبل الخیر . [4] و در کتاب الاقتصاد که از کتاب های فقهی مختصر شیخ طوسی است می فرماید: و فی سبیل الله هو الجهاد و یدخل فیهِ جمیع مصالح المسلمین. سید مرتضی در الانتصار می فرماید: و معنی فی سبیل الله الطريق الی الطريق الی ثوابه و الوصلة الی التقرب الیه . [5] یعنی هر چیزی که سبب تقرب به خداوند بشود. ابن براج در المذهب می گوید: اما سبیل الله هو الجهاد و ما فیهِ من الصلاح للمسلمین مثل عمارة الجسور والقناطر و ما جرى مجرى ذالك. در مجمع البیان ذیل آیه و هو الجهاد بلاخلاف. [6]

استاد: منکر این معنی نیستم ولی محدود در جهاد نیست. و یدخل فیهِ عند اصحابنا جمیع مصالح المسلمین. محقق در شرایع می فرماید: و فی سبیل الله هو الجهاد خاصة و قیل یدخل فیهِ المصالح کبناء القناطر و الحج و مساعدة الزائرين و بناء المساجد فهو الاشبه . [7] یعنی اشبه به قواعد است. بنابراین گرایش عمومی فقهای شیعه، سبیل الله یک معنای عام است.

در مختصر النافع که مختصر شرایع الاسلام است؛ می گوید: کل ما كان قرابة او مصلحة كالحج والجهاد و بناء القناطر و قيل يختص بالجهاد [8]. این قیل نظر عامه است. ابن حمزه طوسی در کتاب الوسيلة می گوید: فی سبیل الله الجهاد والرباط والمصالح و سبیل الخیر . [9] علامه در القواعد می گوید: هو كل مصلحة كبناء القناطر و عمارة المساجد و اعانة الزیائرين و مساعده المجاهدين . [10] در کتاب لمعه شهید اول می فرماید: و فی سبیل الله هو القرب كلها . [11] تمام چیزهایی قربت و در راه خداوند است. در کتاب الجمل و العقود می گوید: و هو الجهاد و ما جرى مجراه. در من لایحضره الفقیه می گوید: و هو سبیل الله فی الجهاد. در کتاب اشاره السبق می گوید: و هو الجهاد الحق.

جمع بندی دو نظر این است که گرایش عمومی فقهای اهل سنت تمرکز وری جهاد است ولی گرایش عمومی فقهای شیعه جهاد و غیر جهاد است. بنابراین تردیدی نیست که خرج سبیل الله در جهاد جای شک و شبهه نیست. لکن شیعه می گوید تمرکز در جهاد نکنید.

سید یزدی در العروة الوثقی می فرماید: السابع: سبیل الله ، و هو جميع سبل الخير كبناء القناطر و المدارس و الخانات و المساجد و تعمیرها، و تخلص المؤمنین من يد الظالمین و نحو ذلك من المصالح، كإصلاح ذات البین، و دفع وقوع الشرور و الفتن بین المسلمین، و كذا إعانة الحجاج و الزائدين و إكرام العلماء و المشتغلین مع عدم تمكّنهم من الحجّ و الزیارة و الاشتغال و نحوها من أموالهم، بل الأقوی جواز دفع هذا السهم في كلّ قرية [12].

مراد از ظالم مثلا در دادگاه طاغوت وکیل بگیرد برای دفاع از مظلوم که پول ندارد وکیل قوی بگیرد. بنابراین قدر متیقن از ظالم دستگاه ظلم است که یک عالم دینی یا غیر عالم دینی را دست گیر کند، و برای دفاع در مقابل ظالم پول گرفتن وکیل گرفتن را ندارد. بنابراین شامل ظلم شخصی نمی شود. از موارد سبیل الله اصلاح ذات البین است امام صادق علیه السلام به مفضل داد که اگر اختلاف و دعوای بین دو شیعه با صرف پول بر طرف می شود پول را برای حل دعوا مصرف کند. مفضل هم گفت که امام صادق علیه السلام پول را برای رفع اختلاف بین مومنین داده است. از دیگر موارد سبیل الله دفع شر و فتنه است. و نیز از مصادیق بارز سبیل الله کمک به حجاج و زائرین عتبات مقدسه است. نیز از موارد سبیل الله اکران علماء و مشتغلین به علم است. البته این مورد در صورتی که برای زیارت رفتن تمکن مالی نداشته باشند اما اگر تمکن مالی داشته باشند نمی توان از سبیل الله به آنها داد. و نیز طلبه اگر تمکن مالی داشته باشند نمی توان از سبیل الله به او بدهند.

امام راحل در تحریر می فرماید: السابع: فی سبیل الله و لایبعد ان یکون هو المصالح العامة للمسلمین و الاسلام كبناء القناطر و ایجاد الطرق و الشوارع و تعمیرها و ما يحصل به تعظیم

الشعائر و علو كلمة الاسلام او دفع الفتن و المفسد عن حوزة الاسلام بين القبيلتين من المسلمین و اشباه ذلك لا مطلق القربات كالاصلاح بين الزوجين و الوالد و الولد [13].

بنابراین کارهای خیر دو جور است مانند دعوی بین زن و شوهر یا بین پدر و پسر. امام راحل تصریح می کند که در مصالح شخصی نمی توان از سبیل الله به آنها بدهد. و دیگر علما سبیل الله را تقیید به مصالح عامه کرده اند.

سید در عروه می فرماید: بل الأقوی جواز دفع هذا السهم في كل قرية.

مرحوم بروجردی می فرماید: اذا كانت من المصالح العامة الدينية و سید عبدالهادی شیرازی تعبیر به مصالح نوعاً می کند. لذا مصالح فردی نباید باشد. مرحوم حکیم می فرماید: لها نوع من الاهمية الشرعية. مرعشی می فرماید: الاولى تقییدها كونها من المصالح العامة. آیت الله فاضل لنکرانی می فرماید: مع كونها من المصالح العامة للاسلام والمسلمين ولايشمل المصالح الجزئية كالاصلاح بين الزوج و الزوجة مثلاً. بنابراین کارهای خیر دو جور است یکی کارهای خیر فردی و کارهای خیر جمعی است و مبارزه با کرونا از مصالح نوعیه است. و دادن ماسک و دستکش به یک شخصی از مصالح نوعیه است چون اگر به او ماسک ندهد موجب سرایت آن به دیگران می شود. آیت الله سیستانی نیز تصریح به جواز دارند بخاطر همین مبنا است که از مصالح عمومی است. بنابراین مهار کردن این ویروس از مصالح عمومی است و شامل ضد عفونی کردن مسجد و مصلاهای نماز جمعه به ویژه جلسات مذهبی می شود و نیز شامل امکانات بهداشتی که در اختیار نمازگزاران قرار داده شود.

---

[1] الأحكام السلطانية، الماوردي، ج ۱، ص ۱۲۳.

[2] الأحكام السلطانية، ابن الفراء، أبو يعلى، ج ۱، ص ۱۳۳.

[3] الخلاف، الشيخ الطوسي، ج ۴، ص ۲۳۶.

[4] المبسوط في فقه الإمامية، الشيخ الطوسي، ج ۱، ص ۲۵۲.

[5] الانتصار في انفرادات الإمامية، السيد الشريف المرتضي، ج ۱، ص ۲۲۴.

[6] المذهب، القاضي ابن البراج، ج ۱، ص ۱۶۹.

[7] شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام - ط اسماعیلیان، المحقق الحلي، ج ۱، ص ۱۵۰.

[8]المختصر النافع في فقه الامامية، المحقق الحلي، ج ١، ص ٥٩.

[9]الوسيلة، ابن حمزة الطوسي، ج ١، ص ١٢٨.

[10]قواعد الأحكام، العلامة الحلي، ج ١، ص ٣٥٠.

[11]اللمعة الدمشقية، الشهيد الأول، ج ١، ص ٥٣.

[12]العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٢، ص ٣١٦.

[13]تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٣٣٨.